

Requirements for Sustainable Development in the Future Economy: A Case Study of the General Policies of the System

Article Type:
Research Article

Ali Younessi

Assistant Professor, Department of
Economics Payamenoor University,
Tehran, Iran.

Email: A_younessi@pnu.ac.ir

Abstract

Iran's future economy is defined as a post-oil-rent economy based on productivity, knowledge-orientation, and resilience, and sustainable development is explained as a prerequisite for its realization. Sustainable development is an important goal on the path of long-term growth, which, as a comprehensive approach to achieving balance among economic, social, environmental, institutional, and cultural dimensions, requires coordinated and balanced policy-making at the macro level. The present study aims to examine the General Policies of the Islamic Republic of Iran as upstream documents and to assess their alignment with the five dimensions of sustainable development. The research approach is qualitative, conducted through documentary analysis, and the data were analyzed using an alignment table of the General Policies with the dimensions of sustainable development. The findings showed that the General Policies are predominantly focused on the economic and institutional dimensions and have paid less attention to the social, environmental, and particularly cultural dimensions. Among these, cross-sectoral policies such as the 1404 Vision, Spatial Planning, and the Islamic-Iranian Model of Progress, with full coverage of all five dimensions, hold the highest operational priority for achieving balanced sustainable development. In contrast, policies such as Energy, Industry, Article 44, Environment, and Investment Encouragement, with a one-dimensional approach, lack operational priority in their current state and require fundamental revision. The conclusion indicated that achieving sustainable development in Iran's future economy necessitates a transition from one-dimensional and sectoral approaches to a systemic, comprehensive, and balanced approach, and highlights the necessity of redesigning one-dimensional policies, aligning sectoral policies with cross-sectoral documents, developing monitoring indicators, strengthening the cultural dimension, and establishing a coordinating institution for sustainable development.

Keywords: Economy of Iran, General policies of the system, Sustainable development, Upstream documents.

JEL Classification: Q01, O13, O21

Received: October 10, 2026

Revised: October 18, 2026

Accepted: October 21, 2026

Available Online: October 22, 2026

Cite this article: Younessi, A. (2026). Requirements for Sustainable Development in the Future Economy: A Case Study of the General Policies of the System. *Strategic Management & Futures Studies*, 9 (2), 131-163. <http://doi.org/10.22034/jsmf.2026.606837.1169>



© The Author(s).

Online ISSN: 2821-0069

الزامات توسعه پایدار در اقتصاد آینده: تحلیل انطباق سیاست‌های کلی نظام

چکیده

اقتصاد آینده ایران به عنوان اقتصاد پس از گذار از رانت نفتی، مبتنی بر بهره‌وری، دانش‌بنیانی و تاب‌آوری تعریف شده و توسعه پایدار به عنوان پیش شرط تحقق آن تبیین شده است. توسعه پایدار هدفی مهم در مسیر رشد بلندمدت است، که به عنوان رویکردی جامع برای تحقق تعادل میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی و فرهنگی، نیازمند سیاست‌گذاری هماهنگ و متوازن در سطح کلان است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان اسناد بالادستی، و بررسی میزان انطباق آن‌ها با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار انجام گرفته است. رویکرد پژوهش کیفی بوده و به روش تحلیل اسنادی انجام گرفته است و داده‌ها با استفاده از جدول انطباق سیاست‌های کلی با ابعاد توسعه پایدار، تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد سیاست‌های کلی نظام عمدتاً بر ابعاد اقتصادی و نهادی متمرکزند، و به ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و به ویژه فرهنگی کمتر توجه داشته‌اند. در این میان، سیاست‌های فرابخشی مانند چشم‌انداز ۱۴۰۴، آمایش سرزمین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با پوشش کامل پنج بعد، بالاترین اولویت عملیاتی را برای تحقق توسعه پایدار متوازن دارند. در مقابل، سیاست‌هایی مانند انرژی، صنعت، اصل ۴۴، محیط زیست و تشویق سرمایه‌گذاری با رویکرد تک‌بعدی، فاقد اولویت عملیاتی در وضعیت فعلی بوده و بازنگری اساسی نیاز دارند. نتیجه نشان داد تحقق توسعه پایدار در اقتصاد آینده ایران، نیازمند گذار از رویکردهای تک‌بعدی و بخشی به رویکردی سیستمی، جامع‌نگر و متوازن است و لزوم بازطراحی سیاست‌های تک‌بعدی، هماهنگی سیاست‌های بخشی با اسناد فرابخشی، تدوین شاخص‌های پایش، تقویت بعد فرهنگی و ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده برای توسعه پایدار نمایان است.

واژگان کلیدی: اسناد بالادستی، اقتصاد ایران، توسعه پایدار، سیاست‌های کلی نظام.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

علی یونسی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور،

تهران، ایران

رایانامه: A_younessi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۷/۳۰

استناد: یونسی، علی (۱۴۰۵). الزامات توسعه پایدار در اقتصاد آینده: تحلیل انطباق سیاست‌های کلی نظام. مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی،

۴ (۲)، ۱۶۳-۱۳۱. <http://doi.org/10.22034/jsmf.2026.606837.1169>

مقدمه

اقتصاد آینده ایران، اقتصاد پس از گذار از رانت نفتی است؛ اقتصادی که به جای اتکا به استخراج و صادرات منابع طبیعی، بر بهره‌وری، دانش‌بنیانی، تنوع‌بخشی و تاب‌آوری نهادی استوار است. این تعریف، برگرفته از ادبیات گذار اقتصادی است که «آینده» را نه یک دوره زمانی صرف، بلکه یک پارادایم جایگزین برای اقتصادهای متکی به منابع تعریف می‌کند (OECD, 2018). در این چارچوب، اقتصاد آینده ایران سه ویژگی اساسی دارد: نخست، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان؛ دوم، افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید به‌عنوان محرک اصلی رشد؛ و سوم، تاب‌آوری در برابر شوک‌های بیرونی (تحریم، نوسانات قیمت نفت و تغییرات اقلیمی) (رجبیان و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۹).

نسبت «اقتصاد آینده» با «توسعه پایدار» در این پژوهش، نسبتی الزامی و نه اختیاری است. به این معنا که گذار به اقتصاد آینده، بدون تحقق توسعه پایدار ممکن نیست؛ زیرا اقتصادی که بر بهره‌وری و دانش‌بنیانی استوار است، نیازمند سرمایه انسانی سالم (بعد اجتماعی)، محیط زیست پایدار (بعد زیست‌محیطی)، نهادهای شفاف و پاسخگو (بعد نهادی) و فرهنگ کار و نوآوری (بعد فرهنگی) است. به عبارت دیگر، توسعه پایدار نه یک «هدف موازی» با اقتصاد آینده، بلکه پیش‌شرط تحقق آن است. بر این اساس، سیاست‌های کلی نظام به‌عنوان اسناد بالادستی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هم‌راستاسازی این گذار دارند و پژوهش حاضر با سنجش انطباق این سیاست‌ها با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار، میزان آمادگی نهادی ایران برای اقتصاد آینده را ارزیابی می‌کند (نعیمی و اعظمی، ۱۴۰۵، ۳۲).

دستیابی به توسعه پایدار، به عنوان الگویی جامع که هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد، به ضرورت انکارناپذیر اقتصادهای مدرن تبدیل شده است. در اقتصاد آینده ایران، این گذار نه یک انتخاب، بلکه الزامی حیاتی برای بقا و شکوفایی در میان چالش‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی است. اقتصاد ایران با تکیه بر منابع غنی انرژی و ظرفیت‌های انسانی، در عین حال با ناترازی‌های عمیق در بخش‌های انرژی و آب، تورم ساختاری و وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از سوی دیگر، اسناد بالادستی نظام، به‌ویژه

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نظام سلامت و محیط‌زیست، چارچوبی راهبردی را ترسیم کرده‌اند که در صورت عملیاتی‌سازی، می‌تواند زیربنای یک اقتصاد پایدار و دانش‌بنیان را فراهم آورد. با این حال، شکاف میان آرمان‌های مندرج در این اسناد و واقعیت‌های اجرایی، همچنان چالش اصلی در مسیر گذار به توسعه است. این مقاله با هدف واکاوی الزامات توسعه پایدار، به بررسی نقش سیاست‌های کلی نظام به عنوان نقشه راهی برای عبور از اقتصاد تک‌محصولی و متکی بر استخراج منابع به سمت اقتصادی ارزش‌آفرین و تاب‌آور می‌پردازد. تحلیل دقیق این اسناد نشان می‌دهد که توسعه پایدار در ایران تنها در سایه اصلاح حکمرانی اقتصادی، بهره‌وری منابع و توجه به عدالت بین‌نسلی محقق خواهد شد. در واقع، پیوند میان «اقتصاد آینده» و «الزامات پایدار»، نیازمند تغییر پارادایم از نگاه کوتاه‌مدت به برنامه‌ریزی راهبردی است. این مطالعه با واکاوی سیاست‌های کلی، تلاش می‌کند تا اولویت‌های عملیاتی لازم برای تحقق این اهداف کلان را استخراج و تبیین نماید. در نهایت، پاسخ به این پرسش کلیدی که چگونه اسناد بالادستی می‌توانند به ابزاری برای پایداری در اقتصاد ایران تبدیل شوند، محور اصلی بحث این پژوهش خواهد بود. این رویکرد می‌تواند بستری برای بازخوانی نقش سیاست‌گذاری در گذار به آینده‌ای پایدار و توأم با عدالت اقتصادی فراهم آورد. در ادامه این پژوهش ادبیات موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، پیشینه پژوهش آورده خواهد شد تا بتوان نوآوری این پژوهش را تصریح کرد. سپس، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش و در انتها، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

در ادامه مبانی نظری بیان می‌شود.

الف) توسعه پایدار

توسعه پایدار مفهومی چندوجهی است که ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. در ادامه، ابعاد کلیدی توسعه پایدار به تفصیل شرح داده می‌شود.

۱. **بعد اقتصادی**^۱: این بعد بر ایجاد رشد اقتصادی پایدار و فراگیر تمرکز دارد. رشد اقتصادی

1. Economic dimension

پایدار به معنای افزایشی است که بتواند در بلندمدت ادامه یابد، بدون آنکه منابع طبیعی را تخریب کند یا شکاف‌های اجتماعی را افزایش دهد (اعظمی و نوکانی، ۱۴۰۴، ص ۲۵). در این راستا، مفاهیمی چون:

- بهره‌وری: افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع، انرژی و نیروی کار.
 - نوآوری و فناوری: توسعه فناوری‌های پاک و سبز که اثرات زیست‌محیطی کمتری دارند.
 - تنوع‌بخشی اقتصادی: کاهش وابستگی به منابع اولیه (مانند نفت) و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و خدمات.
 - تجارت عادلانه: ایجاد بازارهای رقابتی و عادلانه که حقوق کارگران و تولیدکنندگان را حفظ کند.
 - ثبات اقتصادی: کنترل تورم، کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار.
۲. **بعد اجتماعی**^۱: این بعد بر ارتقاء کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و همبستگی در جامعه تأکید دارد (بهمنی و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۳۳). اهداف کلیدی در این بعد عبارت‌اند از:
- برابری و عدالت: کاهش نابرابری‌های درآمدی، جنسیتی و فرصت‌ها. دسترسی برابر به آموزش، بهداشت و خدمات اساسی.
 - رفاه اجتماعی: تأمین امنیت غذایی، مسکن مناسب، و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت برای همه.
 - مشارکت اجتماعی: توانمندسازی جوامع محلی، احترام به حقوق بشر، و ترویج دموکراسی و حکمرانی خوب.
 - حفظ فرهنگ و هویت: حمایت از تنوع فرهنگی و میراث تاریخی جوامع.
 - امنیت و صلح: ایجاد جوامعی امن و عاری از خشونت که در آن صلح و همکاری حاکم باشد.
۳. **بعد زیست‌محیطی**^۲: این بعد به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی برای نسل حاضر و آینده اختصاص دارد (مقتدائی و صالح‌نیا، ۱۴۰۵، ص ۶۳). اولویت‌ها در این بعد شامل:

1. Social dimension
2. Environmental dimension

- حفاظت از تنوع زیستی: جلوگیری از انقراض گونه‌ها و حفظ اکوسیستم‌های طبیعی.
 - مدیریت پایدار منابع: استفاده بهینه و پایدار از منابع آب، خاک، هوا و انرژی.
 - مقابله با تغییرات اقلیمی: کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و سازگاری با اثرات تغییرات اقلیمی.
 - کاهش آلودگی: کنترل آلودگی هوا، آب و خاک ناشی از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی.
 - مدیریت پسماند: کاهش تولید زباله، بازیافت و استفاده مجدد از مواد.
۴. **بعد نهادی**^۱: این بعد بر اهمیت وجود نهادها، قوانین و سیاست‌های کارآمد برای تحقق اهداف توسعه پایدار تأکید دارد (حسنی مقدم، ۱۴۰۵، ۱۱۲).
- حکمرانی خوب: شفافیت، پاسخگویی، و کارآمدی نهادهای دولتی و عمومی.
 - چارچوب‌های قانونی: وجود قوانین و مقررات حمایتی برای حفاظت از محیط زیست و تضمین حقوق اجتماعی.
 - مشارکت ذی‌نفعان: ایجاد سازوکار برای مشارکت فعال بخش خصوصی، جامعه مدنی و شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری.
 - همکاری‌های بین‌المللی: تعامل و همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای دستیابی به اهداف جهانی توسعه پایدار.
۵. **بعد فرهنگی**^۲: هرچند گاهی به صورت مجزا مطرح نمی‌شود، اما فرهنگ نقش مهمی در پذیرش و اجرای اصول توسعه پایدار دارد (محمدی‌پور، ۱۴۰۱، ۶۵).
- ارزش‌ها و هنجارها: ترویج ارزش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، احترام به طبیعت و همبستگی اجتماعی.
 - آگاهی‌بخشی: افزایش دانش و آگاهی عمومی نسبت به اهمیت و ضرورت توسعه پایدار.
- با توجه به ۵ بعد لازم برای توسعه تحقق پایدار می‌توان واژگان کلیدی برای هر یک از این ابعاد را استخراج کرد. جدول ۱ واژگان کلیدی هر یک از این ۵ بعد را نشان می‌دهد.

جدول ۱. واژگان کلیدی استخراج شده از ابعاد توسعه پایدار

بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد زیست محیطی	بعد نهادی	بعد فرهنگی
رشد اقتصادی پایدار	عدالت اجتماعی / اقتصادی	حفاظت از محیط زیست	حکمرانی خوب	ارزش‌های پایدار
بهره‌وری منابع	برابری فرصت‌ها	تنوع زیستی	شفافیت	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
فناوری سبز / پاک	رفاه اجتماعی	مدیریت منابع (آب، خاک، انرژی)	پاسخگویی	آگاهی‌بخشی عمومی
اقتصاد دانش‌بنیان	کیفیت زندگی	انرژی‌های تجدیدپذیر	کارآمدی نظام اداری	هنجارهای زیست‌محیطی
تنوع‌بخشی اقتصادی	توسعه انسانی	کاهش آلودگی	مشارکت ذی‌نفعان	تغییر رفتار
اصلاح الگوی مصرف	امنیت غذایی	تغییرات اقلیمی	نهادسازی	
استقلال اقتصادی	دسترسی به خدمات (بهداشت، آموزش)	مدیریت پسماند	اصلاحات ساختاری	
اقتصاد مقاومتی	مشارکت اجتماعی	اقتصاد چرخشی	چارچوب قانونی	
اشتغال پایدار	همبستگی اجتماعی	تاب‌آوری زیست‌محیطی	هماهنگی سیاست‌ها	
رقابت‌پذیری	حقوق بشر		همکاری بین‌المللی	

منبع: یافته‌های پژوهش

ریشه نظری ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار

اگرچه توسعه پایدار در ادبیات کلاسیک اغلب با سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شناخته می‌شود، تحولات نظری و نهادی دهه‌های اخیر نشان داده است که تحقق پایداری بدون توجه به حکمرانی و فرهنگ ناقص می‌ماند. بر این اساس، در پژوهش حاضر ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار بر مبنای نظری زیر تبیین می‌شوند. بعد اقتصادی بر رفاه مادی پایدار و کارایی تخصیص منابع در چارچوب محدودیت‌های زیست‌محیطی تأکید دارد و در نظریه‌های رشد درون‌زا و اقتصاد سبز ریشه دارد. بعد اجتماعی بر عدالت توزیعی، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی متمرکز است و مبنای نظری آن دیدگاه‌های توسعه انسانی، نظیر رویکرد قابلیت‌های آمارتیا سن، و عدالت بین‌نسلی است که در گزارش براتلند (۱۹۸۷) به‌عنوان هسته تعریف توسعه پایدار معرفی شد. بعد زیست‌محیطی بر یکپارچگی بوم‌شناختی و حفظ سرمایه طبیعی برای نسل‌های آینده تأکید دارد و مبنای نظری آن

اقتصاد محیط‌زیست و اصل بهره‌برداری از محل بهره سرمایه طبیعی، نه مصرف اصل آن، است که در متون نظری پایداری قوی صورت‌بندی شده است (رمضانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۳).

افزودن بعد نهادی به ابعاد توسعه پایدار ریشه در چرخش نهادی در ادبیات توسعه از دهه ۱۹۹۰ دارد. نهادها، شامل قوانین، سازمان‌ها و سازوکارهای نظارت و پاسخگویی، نه تنها ابزار اجرای سیاست‌ها، بلکه تعیین‌کننده کیفیت آن‌ها هستند و بدون حکمرانی خوب، شفافیت و پاسخگویی، هیچ یک از سه بعد دیگر قابل تحقق پایدار نیست. مبنای بین‌المللی این بعد، شاخص ۱۷، ۱۴، ۱ اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد است که انسجام سیاستی برای توسعه پایدار را از طریق سنجش سازوکارهای نهادی، شامل تعهد سیاسی، هماهنگی بین‌دولتی و پایش و گزارش‌دهی، اندازه‌گیری می‌کند (UNEP, 2020). این شاخص نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی به‌طور رسمی نهادها را به‌عنوان یکی از ارکان تحقق پایداری به رسمیت شناخته است. در ادبیات داخلی نیز رویکردهای نهادگرا در برنامه‌ریزی توسعه بر نقش قواعد بازی و کیفیت حکمرانی در موفقیت سیاست‌ها تأکید دارند (امیدعلی و همکاران، ۱۴۰۲، ۳۵).

اگرچه فرهنگ گاهی به‌عنوان زیرمجموعه بعد اجتماعی تلقی می‌شود، ادبیات نظری معاصر استدلال می‌کند که فرهنگ قابل تقلیل به اجتماع نیست و به‌عنوان رکن چهارم توسعه پایدار، در کنار سه رکن کلاسیک، جایگاه مستقلی دارد (Dessein et al., 2015). فرهنگ شامل ارزش‌ها، هنجارها، سبک زندگی و الگوهای رفتاری است که پذیرش و اجرای سایر ابعاد پایداری را ممکن یا ناممکن می‌سازد. مبنای این استدلال، دیدگاه‌هایی است که فرهنگ را نه صرفاً بخش هنری جامعه، بلکه به‌عنوان زمینه معنایی مشترک برای فهم پایداری تعریف می‌کنند؛ زیرا بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای با نیت خوب شکست خورده‌اند، چرا که تنظیمات فرهنگی را در نظر نگرفته‌اند. از منظر عملیاتی نیز فرهنگ شامل آگاهی‌بخشی، ارزش‌های زیست‌محیطی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هنجارهای رفتاری است که بدون آن‌ها سیاست‌های اقتصادی و زیست‌محیطی به اهداف خود نمی‌رسند (فدایی خوراسگانی و نیری، ۱۳۸۹، ۱۵۰).

چارچوب انطباق‌سنجی: انسجام سیاستی برای توسعه پایدار

پس از تبیین ابعاد، این پرسش مطرح می‌شود که بر چه مبنایی می‌توان میزان انطباق سیاست‌های

کلی نظام با این ابعاد را سنجید. چارچوب نظری این پژوهش، انسجام‌یابی برای توسعه پایدار است. انسجام‌یابی به معنای هم‌راستایی، سازگاری و هم‌افزایی سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف است، به‌گونه‌ای که اقدامات در یک بخش، اهداف بخش‌های دیگر را تضعیف نکند و تا حد امکان هم‌افزایی ایجاد کند (OECD, 2018). این مفهوم در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی و اسناد بین‌المللی به‌عنوان معیار ارزیابی کیفیت سیاست‌های توسعه پایدار به کار می‌رود. مبنای انتخاب این چارچوب برای پژوهش حاضر سه دلیل است. نخست، هم‌راستایی با ماهیت سیاست‌های کلی نظام؛ زیرا این سیاست‌ها اسناد فرابخشی و راهبردی هستند و انتظار می‌رود جامع‌نگر باشند و صرفاً به یک بخش محدود نشوند، و انسجام‌یابی دقیقاً همین جامعیت را می‌سنجد. دوم، قابلیت عملیاتی‌سازی؛ زیرا انسجام‌یابی را می‌توان از طریق تحلیل محتوای اسناد و بررسی حضور یا غیبت ابعاد مختلف در هر سند سنجید که با روش تحلیل مضمون سازگار است. سوم، پشتوانه بین‌المللی؛ زیرا شاخص ۱۷،۱۴،۱ اهداف توسعه پایدار، انسجام‌یابی را به‌عنوان یکی از معیارهای رسمی سنجش پیشرفت پایداری معرفی کرده است (UNEP, 2020) و استفاده از این چارچوب، اعتبار نظری و بین‌المللی پژوهش را تقویت می‌کند.

بر این اساس، معیار انطباق‌سنجی در این پژوهش آن است که یک سیاست کلی تا چه اندازه به هر یک از پنج بعد توسعه پایدار توجه مستقیم یا غیرمستقیم دارد. هرچه یک سیاست به ابعاد بیشتری توجه داشته باشد، از انسجام‌یابی بالاتری برخوردار است و برای تحقق توسعه پایدار متوازن، اولویت عملیاتی بیشتری دارد.

مفهوم اقتصاد آینده در متون نظری توسعه

در ادبیات توسعه، اغلب در تقابل با «اقتصاد رانتی» یا «اقتصاد متکی به منابع» تعریف می‌شود. در این ادبیات، اقتصاد آینده اقتصادی است که رشد خود را از بهره‌وری و نوآوری می‌گیرد، نه از استخراج منابع؛ تاب‌آوری خود را از تنوع می‌گیرد، نه از تک‌محصولی؛ و مشروعیت خود را از حکمرانی خوب می‌گیرد، نه از توزیع رانت (OECD, 2018). بر این اساس، اقتصاد آینده ایران اقتصادی است که در آن سه گذار هم‌زمان رخ می‌دهد: گذار از رانت به بهره‌وری، گذار از

تک‌محصولی به تنوع، و گذار از حکمرانی غیر شفاف به حکمرانی پاسخگو (رجبیان و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۹).

نسبت این اقتصاد با توسعه پایدار را می‌توان در سه سطح تبیین کرد. سطح اول، نسبت الزامی: اقتصاد آینده بدون تحقق ابعاد توسعه پایدار ممکن نیست؛ زیرا بهره‌وری بدون سرمایه انسانی سالم (بعد اجتماعی) و محیط زیست پایدار (بعد زیست‌محیطی) قابل تحقق نیست. سطح دوم، نسبت هم‌افزایی: توسعه پایدار و اقتصاد آینده یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ نهادهای شفاف (بعد نهادی) هم به جذب سرمایه و رشد بهره‌وری کمک می‌کنند و هم به پایداری سیاسی و اجتماعی. سطح سوم، نسبت شرطی: تحقق اقتصاد آینده، مشروط به هم‌راستایی سیاست‌های کلان با ابعاد پایداری است؛ یعنی اگر سیاست‌های کلی نظام صرفاً بر رشد اقتصادی متمرکز باشند و ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی و فرهنگی را نادیده بگیرند، گذار به اقتصاد آینده ناقص یا ناپایدار خواهد بود. بر این اساس، چارچوب نظری این پژوهش آن است که سیاست‌های کلی نظام، به‌عنوان اسناد بالادستی، متغیر مستقل و میزان انطباق آن‌ها با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار، متغیر وابسته (شاخص آمادگی نهادی برای اقتصاد آینده) است. هرچه این انطباق بیشتر باشد، آمادگی نهادی برای گذار به اقتصاد آینده بیشتر است و هرچه تعارضات بین‌سیاستی بیشتر باشد، این گذار با چالش بیشتری مواجه خواهد بود.

ب) سیاست‌های کلی نظام

هر کشوری برای هدایت توانمندی‌ها و پتانسیل خود به سمت هدف غایی نیازمند داشتن نقشه راه در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. سیاست‌های کلی در هر کشوری افق بلندمدت اهداف را نشان می‌دهد و برای رسیدن به این اهداف برنامه‌ریزی می‌شود. تعریف «سیاست‌های کلی نظام» در جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

سیاست‌های کلی نظام، اسنادی هستند که به منظور تعیین اهداف کلان و راهبردهای اساسی کشور در حوزه‌های مختلف، توسط رهبر شهیدانقلاب ابلاغ شده‌اند و در ادامه نیز توسط رهبری جدید ابلاغ خواهند شد. این سیاست‌ها بر اساس اصول قانون اساسی (به ویژه اصل ۱۱۰ که وظایف

رهبری را تبیین می‌کند) و با در نظر گرفتن مصالح عالیه نظام، نیازهای کشور و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تدوین می‌شوند.

ویژگی‌های کلیدی سیاست‌های کلی نظام به شرح زیر است:

۱. ماهیت راهبردی: این سیاست‌ها، چارچوب کلی و جهت‌گیری‌های بلندمدت را مشخص می‌کنند و به طور مستقیم به جزئیات اجرایی نمی‌پردازند.
۲. الزام‌آور بودن: اگرچه این اسناد ماهیت قضایی ندارند، اما به دلیل جایگاه قانونی رهبری، لازم‌الاجرا هستند و کلیه قوا (مجریه، مقننه، قضائیه) و نهادهای حکومتی موظف به رعایت و اجرای آن‌ها می‌باشند.
۳. مبنای قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی: قوانین عادی، برنامه‌های توسعه (پنج‌ساله) و بودجه‌ریزی کل کشور باید در چارچوب و راستای این سیاست‌ها تدوین و تصویب شوند.
۴. جامعیت: این سیاست‌ها طیف وسیعی از موضوعات را در بر می‌گیرند، از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست خارجی، علم و فناوری، محیط زیست، دفاعی، اجتماعی و ...
۵. فرایند تدوین: این سیاست‌ها پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و با در نظر گرفتن نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران، ابلاغ می‌شوند.

تفکیک مفهومی سند، سیاست و قانون

در متون نظری سیاست‌گذاری عمومی، سه مفهوم «سند»، «سیاست» و «قانون» قابل تفکیک‌اند و عدم تفکیک آن‌ها می‌تواند به خطای تحلیلی منجر شود. سند به معنای عام، هر متن مکتوب رسمی است که حاوی جهت‌گیری، تعهد یا قاعده است. سیاست مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌ها و اهداف کلان است که توسط مرجع صالح تعیین می‌شود و مخاطب آن نهادهای حکومتی‌اند. قانون مصوبه رسمی قوه مقننه است که الزام حقوقی دارد و ضمانت اجرای دولتی دارد. بر این اساس، اسناد مورد بررسی در این پژوهش در سه دسته قابل تفکیک‌اند. دسته اول، سیاست‌های کلی نظام؛ اسنادی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شوند و جهت‌گیری‌های کلان کشور را در حوزه‌های مختلف تعیین می‌کنند، مانند سیاست‌های کلی محیط زیست، انرژی و صنعت. این اسناد ماهیت راهبردی دارند و به جزئیات اجرایی نمی‌پردازند. دسته دوم، اسناد چشم‌انداز و برنامه؛ اسنادی مانند سند چشم‌انداز

۱۴۰۴ و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که افق بلندمدت کشور را ترسیم می‌کنند و مبنای تدوین برنامه‌های پنج‌ساله هستند. دسته سوم، قوانین و مقررات؛ مانند اصل ۴۴ قانون اساسی و بند ج اصل ۴۴ که ماهیت حقوقی دارند و الزام‌آورند.

با وجود تفاوت نوع اسناد، واحد تحلیل مشترک در این پژوهش، «جهت‌گیری سیاستی» است؛ یعنی هر بند یا گزاره ابلاغی که حاوی هدف، جهت‌گیری یا تعهدی برای نهادهای حکومتی باشد، به‌عنوان یک واحد قابل سنجش تلقی می‌شود. این انتخاب بر این مبنا است که هر سه نوع سند، مخاطب واحد یعنی نهادهای حکومتی را هدف می‌گیرند و کارکرد مشترک یعنی هدایت سیاست‌گذاری را دنبال می‌کنند.

در ایران از سال ۱۳۷۷ تا کنون ۴۱ سیاست کلی (شامل سند، سیاست و قانون) تدوین و ابلاغ شده است. که در جدول ۲ این سیاست‌ها ذکر شده است.

جدول ۲. سیاست‌های کلی نظام

ردیف	تاریخ ابلاغ	نوع سیاست کلی
۱	۱۳۷۷/۷/۱۱	سیاست‌های کلی «شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای»
۲	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «بخش معدن».
۳	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی بخش «حمل و نقل».
۴	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «منابع طبیعی».
۵	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «منابع آب».
۶	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی».
۷	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌ی «انرژی».
۸	۱۳۸۱/۷/۲۸	ابلاغ سیاست‌های کلی «امنیت قضائی».
۹	۱۳۸۲/۸/۱۲	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در «افق ۱۴۰۴».
۱۰	۱۳۸۴/۳/۱	ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
۱۱	۱۳۸۴/۶/۲۵	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام برای پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیر
۱۲	۱۳۸۴/۴/۱۱	ابلاغ سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بند ج اصل چهارم و چهار قانون اساسی.
۱۳	۱۳۸۵/۷/۱۰	سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر.
۱۴	۱۳۸۸/۹/۲	ابلاغ سیاست‌های کلی قضائی (پنج‌ساله).
۱۵	۱۳۸۹/۱/۳۱	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری.

ردیف	تاریخ ابلاغ	نوع سیاست کلی
۱۶	۱۳۸۹/۴/۱۵	تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف.
۱۷	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «شهرسازی».
۱۸	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری».
۱۹	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)».
۲۰	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران».
۲۱	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل».
۲۲	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «مسکن».
۲۳	۱۳۹۰/۴/۲۸	ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال.
۲۴	۱۳۹۰/۹/۲۱	ابلاغ سیاست‌های کلی «آمایش سرزمین».
۲۵	۱۳۹۱/۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش «کشاورزی».
۲۶	۱۳۹۱/۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در موضوع «خودکفایی دفاعی و امنیتی».
۲۷	۱۳۹۱/۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش «صنعت».
۲۸	۱۳۹۱/۱۱/۲۴	ابلاغ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی.
۲۹	۱۳۹۲/۲/۱۰	ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش.
۳۰	۱۳۹۲/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی».
۳۱	۱۳۹۳/۱/۱۸	ابلاغ سیاست‌های کلی «سلامت».
۳۲	۱۳۹۳/۲/۳۰	ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت».
۳۳	۱۳۹۳/۹/۲۶	ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری».
۳۴	۱۳۹۴/۸/۲۶	ابلاغ سیاست‌های کلی «محیط زیست».
۳۵	۱۳۹۵/۶/۱۳	ابلاغ سیاست‌های کلی «خانواده».
۳۶	۱۳۹۵/۷/۲۴	ابلاغ سیاست‌های کلی «انتخابات».
۳۷	۱۳۹۷/۷/۲۲	ابلاغ سیاست‌های کلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۳۸	۱۳۹۸/۷/۶	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری
۳۹	۱۳۹۹/۲/۹	ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی در موافقت با آزادسازی سهام عدالت.
۴۰	۱۴۰۱/۱/۲۱	ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی
۴۱	۱۴۰۲/۸/۱۶	ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور

منبع: یافته‌های پژوهش

سیاست‌های کلی نظام به عنوان چارچوب راهبردی و فرادستگاهی، متغیر مستقل کلیدی در تحقق توسعه پایدار در ایران محسوب می‌شوند و این رابطه به گونه‌ای طراحی شده که توسعه پایدار به عنوان متغیر وابسته، مستقیماً از جهت‌گیری‌های این سیاست‌ها اثر می‌پذیرد. در بُعد اقتصادی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با محوریت بهره‌وری، دانش‌بنیانی، افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به نفت، بسترهای رشد پایدار و مقاوم را فراهم می‌آورد که خود پیش‌نیاز اساسی دوام اقتصادی در بلندمدت است. در بُعد اجتماعی نیز تأکید بر عدالت، اشتغال‌زایی، توانمندسازی طبقات کم‌درآمد و ارتقاء سرمایه انسانی، نشان از التزام این سیاست‌ها به پایداری اجتماعی دارد که رکن دوم توسعه پایدار به شمار می‌رود. بُعد زیست‌محیطی نیز در سیاست‌های کلی محیط زیست با مفاهیمی مانند اقتصاد سبز، صنعت کم‌کربن، انرژی‌های پاک و مالیات سبز تبلور یافته و این سیاست‌ها به صراحت به حفظ منابع طبیعی و کاهش آلودگی به عنوان یکی از ارکان توسعه اشاره دارند. همچنین سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه با تأکید بر آمایش سرزمین و حفاظت از محیط زیست، حلقه اتصال سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را به الزامات زیست‌محیطی پیوند می‌دهد. آنچه این رابطه را کامل می‌کند، رویکرد جامع‌نگر سیاست‌های کلی نظام است که نه تنها هر سه بُعد توسعه را پوشش می‌دهد، بلکه با نگاه بلندمدت و توجه به منافع نسل‌های آینده، اساساً فلسفه وجودی خود را بر پایه پایداری تعریف کرده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام با ارائه نقشه راهی منسجم، متغیر مستقل تعیین‌کننده‌ای هستند که تحقق توسعه پایدار را در گرو اجرای دقیق و هماهنگ آن‌ها قرار می‌دهند و در صورت عملیاتی‌سازی صحیح، می‌توانند اقتصاد آینده ایران را به سمت تعادلی پایدار میان رشد، عدالت و محیط زیست هدایت کنند (کعبی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵، ۱۱۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر در دو دسته مطالعات داخلی و خارجی بررسی می‌شود. معیار انتخاب مطالعات، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش یعنی نسبت میان اسناد بالادستی (به‌ویژه سیاست‌های کلی نظام) و ابعاد توسعه پایدار در ایران است. مطالعاتی که فاقد این ارتباط بودند، از پیشینه حذف شدند.

در حوزه ارتباط اسناد بالادستی با توسعه پایدار در ایران، مطالعات متعددی انجام شده است. عصمتی و عدالت‌جو (۱۴۰۰) با بررسی نقش اسناد بالادستی و قوانین برنامه‌های توسعه در حفظ محیط‌زیست، به این نتیجه رسیدند که اگرچه اسناد بالادستی بر پایداری زیست‌محیطی تأکید دارند، اما در سطح قوانین اجرایی، این تأکید به صورت کامل عملیاتی نشده است. صفی‌خوانی و حلی‌ساز (۲۰۲۳) با تحلیل محتوای اصول و محورهای مقررات و قانون‌گذاری زیست‌محیطی ایران، نشان دادند که بعد زیست‌محیطی در اسناد بالادستی حضور دارد اما از انسجام کافی با سایر ابعاد توسعه برخوردار نیست. گروه اقتصاد اسلامی دانشگاه قم (۱۴۰۵) با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، الگویی برای توسعه پایدار در اقتصاد ایران طراحی کرده و بر مؤلفه‌های چارچوب‌های مالی پایدار و شفافیت در مبارزه با فساد به عنوان عوامل علی اصلی تأکید کرده است. محمدی‌نوده و همکاران (۱۳۹۹) نیز با بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بخش‌های مختلف ایران، نتیجه گرفتند که این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند محرک رشد باشد، اما نیازمند بسترهای نهادی و قانونی مناسب است؛ یافته‌ای که اهمیت بعد نهادی در تحقق پایداری را تأیید می‌کند.

در پژوهش‌های بین‌المللی، مطالعاتی که به تحلیل سیاست‌های ایران در چارچوب پایداری پرداخته‌اند، قابل توجه‌اند. نوربخش و حبیب‌پور فاتحه (۲۰۲۶) با استفاده از چارچوب مفهومی نفرین منابع و دولت رانت‌خیز، تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد وابسته به نفت ایران را بررسی کرده و نشان دادند که شوک‌های نفتی از طریق گسترش اقتصاد سایه به افزایش فساد و تضعیف نهادها منجر می‌شود؛ یافته‌ای که ضرورت تقویت بعد نهادی در سیاست‌های کلی را برجسته می‌کند. مدرسه امور عمومی و بین‌المللی دانشگاه پرینستون (۲۰۲۵) با تحلیل سیاست انرژی ایران، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود کارایی انرژی را حیاتی‌ترین اقدامات برای پایداری معرفی کرده است. سارکخیل و همکاران (۲۰۲۳) با مدل‌سازی حسابداری هزینه جریان مواد و تحلیل چرخه عمر در صنعت روی ایران، نشان دادند که کاهش آلودگی و مدیریت پسماند، مستلزم یکپارچه‌سازی ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی در سیاست‌گذاری صنعتی است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به ارتباط اسناد بالادستی با توسعه پایدار پرداخته‌اند، اما هیچ مطالعه‌ای به صورت نظام‌مند و جامع، میزان انطباق تمام ۴۱ سیاست کلی نظام با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار را در یک چارچوب واحد نسنجیده است. مطالعات پیشین یا بر یک بعد

خاص (مثلاً زیست محیطی) متمرکز بوده‌اند، یا صرفاً به تحلیل محتوای یک سند محدود پرداخته‌اند، یا چارچوب نظری شفافی برای سنجش انطباق ارائه نداده‌اند. پژوهش حاضر با ارائه چارچوب انسجام‌یابی و تعریف عملیاتی ابعاد پنج‌گانه، این شکاف را پر می‌کند و از این نظر نوآوری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع که بررسی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام است، روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل اسنادی با تکنیک تحلیل مضمون به کار گرفته شده است. در ادامه، فرایند اجرایی پژوهش به صورت شفاف شرح داده می‌شود.

جامعه پژوهش کلیه اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، شامل ۴۱ سیاست کلی ابلاغی از سال ۱۳۷۷ تا ۱۴۰۲ (جدول ۲) و همچنین، اسناد مرتبط مانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه. در نهایت، با روش هدفمند^۱، همه ۴۱ سیاست کلی به دلیل ارتباط موضوعی با ابعاد توسعه پایدار به صورت سرشماری انتخاب شدند؛ زیرا این اسناد به عنوان متغیر مستقل پژوهش، قابل تعمیم به جامعه نیستند و خود جامعه را تشکیل می‌دهند.

واحد تحلیل^۲، هر «سیاست کلی» به عنوان یک سند مستقل بود و واحد ثبت/معنایی^۳، بندها و گزاره‌های سیاستی درون هر سند، جمله یا عبارت معنادار که حاوی جهت‌گیری سیاستی است. برای تحلیل فرایند تحلیل مضمون بر اساس الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک^۴ (۲۰۰۶) و در تطابق با روش تحلیل مضمون جهت‌دار^۵ به کار گرفته شد؛ زیرا چارچوب اولیه مضامین (پنج بعد توسعه پایدار) از متون نظری استخراج شده بود. مراحل به شرح زیر است:

مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: متن کامل ۴۱ سیاست کلی از پایگاه‌های رسمی (وبسایت دفتر مقام معظم رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام) گردآوری و چندین بار مطالعه شد.
مرحله ۲. تولید کدهای اولیه: با استفاده از جدول واژگان کلیدی (جدول ۱) که از ادبیات توسعه

-
1. Purposeful sampling
 2. Unit of analysis
 3. Recording unit
 4. Braun & Clarke
 5. Directed Thematic Analysis

پایدار استخراج شده بود، هر بند سیاستی که حاوی یکی از واژگان کلیدی بود، کدگذاری شد. به هر بند حداکثر یک کد (مربوط به بعد غالب) تعلق گرفت.

مرحله ۳. جست‌وجوی مضامین: کدهای اولیه بر اساس پنج مضمون از پیش تعیین‌شده (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی) دسته‌بندی شدند.

مرحله ۴. بازبینی مضامین: کدهای متناقض یا مبهم توسط پژوهشگر بازبینی و در صورت لزوم به مضمون مناسب منتقل شدند.

مرحله ۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین: هر مضمون با استفاده از جدول ۳ (واژگان کلیدی) به صورت عملیاتی تعریف شد.

مرحله ۶. تولید گزارش: نتایج در قالب جدول انطباق ۲۰۵ خانه‌ای (۴۱ سیاست $\times$ ۵ بعد) تنظیم و تحلیل شد.

معیار تشخیص «توجه مستقیم» و «توجه غیر مستقیم» برای شفافیت کدگذاری، معیارهای زیر تعریف عملیاتی شد:

جدول ۳. تعریف عملیاتی نوع توجه برای شفاف‌سازی کدگذاری

نوع توجه	تعریف عملیاتی
توجه مستقیم	وجود صریح حداقل یک «واژه کلیدی» از در متن بند سیاستی، به گونه‌ای که آن بند مستقیماً به آن بعد اشاره کند.
توجه غیر مستقیم	اشاره ضمنی به یک بعد از طریق واژگان مرتبط اما نه دقیقاً منطبق با واژگان کلیدی جدول ۱ (مثلاً اشاره به «کاهش آلودگی» در سیاست انرژی که به طور غیر مستقیم به بعد زیست‌محیطی مربوط است.
عدم توجه (-)	نبود هرگونه واژه کلیدی یا اشاره ضمنی مرتبط با آن بعد در متن سیاست.

برای بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد، جدول واژگان کلیدی توسط دو متخصص حوزه توسعه پایدار بررسی و تأیید شد. همچنین، ۲۰ درصد از اسناد (۸ سیاست) به صورت تصادفی توسط پژوهشگر دوم (کدگذار مستقل) کدگذاری مجدد شد و ضریب توافق کاپا^۱ محاسبه شد که مقدار آن ۰/۸۲ به دست آمد و نشان‌دهنده توافق بالای کدگذاری است (صادق بیگی و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۰).

1. Cohen's Kappa

در نهایت، برای بازبینی همتا^۱ نتایج نهایی با دو پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری عمومی در میان گذاشته و اصلاحات لازم اعمال شد.

یافته‌های پژوهش

در ادامه، به بررسی سیاست‌های کلی نظام و مقایسه مفاد آن با ابعاد توسعه پایدار پرداخته شد. در این مرحله ۴۱ سیاست کلی در پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، نهادی و فرهنگی بررسی شد. به این صورت که با روش تحلیل مضمون یک جدول ۲۰۵ خانه‌ای ایجاد می‌شود. نتایج این جدول نشان داد هر یک از سیاست‌های کلی نظام به کدام بعد از ابعاد توسعه پایدار توجه دارد. بر اساس تحلیل سیاست‌های کلی نظام، ارتباط هر یک از سیاست‌های کلی نظام با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی) به شرح زیر است:

جدول ۴. تبلور ابعاد توسعه پایدار در سیاست‌های کلی نظام

سیاست کلی	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد زیست‌محیطی	بعد نهادی	بعد فرهنگی
شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای	-	-	-	-	-
بخش معدن	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-	-
بخش حمل و نقل	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-
منابع طبیعی	-	-	توجه مستقیم	-	-
منابع آب	-	-	توجه مستقیم	-	-
امنیت اقتصادی	توجه مستقیم	-	-	توجه مستقیم	-
انرژی	توجه مستقیم	-	توجه غیرمستقیم	-	-
امنیت قضائی	-	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-
چشم‌انداز ۱۴۰۴	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم
اصل ۴۴ قانون اساسی	توجه مستقیم	-	-	-	-
پیشگیری از سوانح طبیعی	-	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-
بند ج اصل ۴۴	توجه مستقیم	-	-	-	-
مبارزه با مواد مخدر	-	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-
سیاست‌های کلی قضائی	-	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-

سیاست کلی	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد زیست‌محیطی	بعد نهادی	بعد فرهنگی
نظام اداری	-	-	-	توجه مستقیم	-
اصلاح الگوی مصرف	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-	-
شهرسازی	-	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-
تشویق سرمایه‌گذاری	توجه مستقیم	-	-	-	-
امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (افتا)	-	-	-	توجه مستقیم	-
ترویج فرهنگ ایثار و جهاد	-	-	-	-	توجه مستقیم
پدافند غیرعامل	-	-	-	توجه مستقیم	-
مسکن	-	توجه مستقیم	-	-	-
اشتغال	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-	-	-
آمایش سرزمین	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم
کشاورزی	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-	-
خودکفایی دفاعی و امنیتی	-	-	-	توجه مستقیم	-
صنعت	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-	-
تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-	-	-
تحول در نظام آموزش و پرورش	-	توجه مستقیم	-	-	توجه مستقیم
اقتصاد مقاومتی	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه غیرمستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم
سلامت	-	توجه مستقیم	-	-	-
جمعیت	-	توجه مستقیم	-	-	توجه مستقیم
علم و فناوری	توجه مستقیم	-	-	-	توجه مستقیم
محیط زیست	-	-	توجه مستقیم	-	-
خانواده	-	توجه مستقیم	-	-	توجه مستقیم
انتخابات	-	-	-	توجه مستقیم	-
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم	توجه مستقیم
نظام قانون‌گذاری	-	-	-	توجه مستقیم	-
آزادسازی سهام عدالت	توجه مستقیم	توجه مستقیم	-	-	-
تأمین اجتماعی	-	توجه مستقیم	-	توجه مستقیم	-

منبع: یافته‌های پژوهش

تعارضات بین سیاست‌ها

یکی از ارکان انسجام سیاستی برای توسعه پایدار، نبود تعارض میان سیاست‌ها است. تعارض سیاستی زمانی رخ می‌دهد که اهداف، ابزارها یا زمان‌بندی یک سیاست، تحقق اهداف سیاست دیگر را تضعیف کند (OECD, 2018). در متون سیاست‌گذاری، سه نوع تعارض قابل تفکیک است. نخست، تعارض هدفی که زمانی رخ می‌دهد که هدف یک سیاست با هدف سیاست دیگر در تضاد مستقیم قرار دارد؛ برای نمونه، هدف افزایش تولید صنعتی با هدف کاهش آلودگی. دوم، تعارض ابزاری که زمانی رخ می‌دهد که ابزار اجرای یک سیاست، اثربخشی ابزار سیاست دیگر را کاهش می‌دهد؛ مانند یارانه انرژی که انگیزه اصلاح الگوی مصرف را تضعیف می‌کند. سوم، تعارض زمانی که زمانی رخ می‌دهد که افق زمانی یک سیاست با سیاست دیگر ناهم‌راستا است؛ مانند سیاست‌های کوتاه‌مدت رشد که با اهداف بلندمدت پایداری در تضاد قرار می‌گیرند.

بر اساس جدول ۴، هشت مصداق تعارض میان سیاست‌های کلی نظام شناسایی شد که در جدول ۵ ارائه می‌شود. نخستین و پرتکرارترین مصداق، تعارض هدفی میان سیاست «صنعت» و سیاست «محیط زیست» است؛ سیاست صنعت بر رشد تولید تأکید دارد بدون آنکه قید زیست‌محیطی برای آن تعیین کند، در حالی که سیاست محیط زیست بر کاهش آلودگی و حفاظت از منابع تأکید دارد. مصداق دوم، تعارض ابزاری میان سیاست «انرژی» و سیاست «اصلاح الگوی مصرف» است؛ سیاست انرژی بر افزایش تولید و تأمین انرژی متمرکز است و یارانه‌های انرژی که ابزار این سیاست محسوب می‌شوند، انگیزه اصلاح الگوی مصرف را تضعیف می‌کنند. مصداق سوم، تعارض هدفی میان سیاست «تشویق سرمایه‌گذاری» و سیاست «آمایش سرزمین» است؛ سیاست تشویق سرمایه‌گذاری بدون قید مکانی، ممکن است سرمایه‌گذاری‌ها را به مناطقی هدایت کند که با توزیع متعادل فعالیت‌ها در آمایش سرزمین ناهم‌راستا باشد.

مصداق چهارم، تعارض هدفی میان سیاست «اصل ۴۴» و سیاست «محیط زیست» است؛ واگذاری تصدی‌ها بدون الزامات محیط زیستی، با اهداف حفاظت از محیط زیست در تعارض قرار می‌گیرد. مصداق پنجم، تعارض هدفی میان سیاست «بخش معدن» و سیاست‌های «منابع طبیعی» و «منابع آب» است؛ توسعه معدن بدون توجه کافی به تخریب منابع طبیعی و مصرف آب، پایداری این منابع را

تهدید می‌کند. مصداق ششم، تعارض زمانی میان سیاست «اشتغال» و سیاست «محیط زیست» است؛ اشتغال‌زایی کوتاه‌مدت در بخش‌های آلاینده، با اهداف بلندمدت پایداری محیط زیستی ناهم‌راستا است. مصداق هفتم، تعارض ابزاری میان سیاست «علم و فناوری» و سیاست «محیط زیست» است؛ حمایت از فناوری بدون جهت‌گیری به سمت فناوری سبز، ممکن است اثرات محیط زیستی را تشدید کند. مصداق هشتم، تعارض هدفی میان سیاست «کشاورزی» و سیاست «منابع آب» است؛ توسعه کشاورزی بدون توجه کافی به محدودیت منابع آب، پایداری این منابع را به خطر می‌اندازد. تحلیل این هشت مصداق نشان می‌دهد که بیشترین تعارضات از نوع هدف و در بعد زیست‌محیطی است؛ یعنی سیاست‌های اقتصادی و بخشی، اغلب بدون قید زیست‌محیطی طراحی شده‌اند و این امر، تحقق پایداری را با چالش مواجه می‌کند. این یافته با نتایج عصمتی و عدالت‌جو (۱۴۰۰) و صفی‌خوانی و حلی‌ساز (۲۰۲۳) هم‌راستا است که نشان دادند تأکید اسناد بالادستی بر پایداری محیط زیستی، در سطح سیاست‌های بخشی به‌صورت کامل عملیاتی نشده است.

جدول ۵. تعارضات بین سیاستی در سیاست‌های کلی نظام

ردیف	سیاست الف	سیاست ب	بعد متعارض	نوع تعارض	توضیح
۱	صنعت	محیط زیست	زیست‌محیطی	هدفی	سیاست صنعت بر رشد تولید تأکید دارد. بدون قید زیست‌محیطی؛ سیاست محیط زیست بر کاهش آلودگی.
۲	انرژی	اصلاح الگوی مصرف	اقتصادی/زیست‌محیطی	ابزاری	سیاست انرژی بر افزایش تولید متمرکز است؛ پارانه‌های انرژی، انگیزه اصلاح الگوی مصرف را تضعیف می‌کند.
۳	تشویق سرمایه‌گذاری	آمایش سرزمین	زیست‌محیطی/هادی	هدفی	سیاست تشویق سرمایه‌گذاری بدون قید مکانی؛ آمایش سرزمین بر توزیع متعادل فعالیت‌ها تأکید دارد.
۴	اصل ۴۴	محیط زیست	زیست‌محیطی	هدفی	واگذاری تصدی‌ها بدون الزامات زیست‌محیطی؛ سیاست محیط زیست بر حفاظت تأکید دارد.
۵	بخش معدن	منابع طبیعی/آب	زیست‌محیطی	هدفی	توسعه معدن بدون توجه کافی به تخریب منابع طبیعی و مصرف آب.
۶	اشتغال	محیط زیست	اجتماعی/زیست‌محیطی	زمانی	اشتغال‌زایی کوتاه‌مدت در بخش‌های آلاینده؛ اهداف بلندمدت پایداری.
۷	علم و فناوری	محیط زیست	زیست‌محیطی	ابزاری	حمایت از فناوری بدون جهت‌گیری به سمت فناوری سبز.
۸	کشاورزی	منابع آب	زیست‌محیطی	هدفی	توسعه کشاورزی بدون توجه کافی به محدودیت منابع آب.

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، تعارضات ابزاری نشان می‌دهد که حتی زمانی که اهداف متعارض نیستند، ابزارهای اجرایی می‌توانند یکدیگر را تضعیف کنند؛ این همان نکته‌ای است که OECD (2018) بر آن تأکید دارد: انسجام سیاستی نه تنها در سطح اهداف، بلکه در سطح ابزارها نیز باید تأمین شود.

با توجه به جدول ۴ که نشان‌دهنده تحلیل میزان انطباق سیاست‌های کلی نظام با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار، نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی نظام بیشترین توجه را به ترتیب به ابعاد اقتصادی و نهادی معطوف داشته‌اند. بعد اقتصادی با پوشش گسترده‌ای در اکثر سیاست‌ها از جمله اقتصاد مقاومتی، صنعت، معدن، کشاورزی، اشتغال، اصل ۴۴، انرژی، حمل و نقل و علم و فناوری، به عنوان محور اصلی سیاست‌گذاری در اسناد بالادستی کشور مطرح است. بعد نهادی نیز با حضور در سیاست‌هایی مانند نظام اداری، امنیت قضائی، انتخابات، پدافند غیر عامل، امنیت اقتصادی و نظام قانون‌گذاری، جایگاه دوم را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده تأکید بر شفافیت، کارآمدی دولت و مبارزه با فساد در اسناد بالادستی است. در رتبه بعدی، ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی با توجه متوسطی مواجه شده‌اند؛ بعد اجتماعی در سیاست‌هایی مانند مسکن، سلامت، جمعیت، خانواده، آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی دیده می‌شود، اما در سیاست‌های کلیدی مانند علم و فناوری، صنعت و معدن غایب است. بعد زیست‌محیطی نیز اگرچه در سیاست‌های محیط زیست، منابع طبیعی، آب، کشاورزی و آمایش سرزمین مورد توجه قرار گرفته، اما در بسیاری از سیاست‌های اقتصادی محوری مانند اصل ۴۴، تشویق سرمایه‌گذاری و اشتغال نادیده گرفته شده و تنها در مواردی مانند اقتصاد مقاومتی و انرژی به صورت غیرمستقیم به آن اشاره شده است. در نهایت، بعد فرهنگی با کمترین میزان توجه در میان سیاست‌های کلی نظام قرار دارد و تنها در سیاست‌های محدودی مانند ترویج فرهنگ ایثار و جهاد، تحول در نظام آموزش و پرورش، جمعیت، خانواده، علم و فناوری و آمایش سرزمین به آن پرداخته شده است، در حالی که بسیاری از سیاست‌های کلیدی اقتصادی، نهادی و زیرساختی هیچ اشاره‌ای به مؤلفه‌های فرهنگی ندارند. این الگو نشان می‌دهد که رویکرد غالب در اسناد بالادستی کشور، رویکردی اقتصادمحور و حکمرانی‌محور است و برای دستیابی به توسعه پایدار متوازن، نیاز به تقویت توجه به ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و به ویژه فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های آتی احساس می‌شود.

جدول ۶. رتبه بندی ابعاد توسعه پایدار در سیاست‌های کلی نظام

رتبه	بعد توسعه پایدار	میزان توجه
۱	بعد اقتصادی	بیشترین
۲	بعد نهادی	بیشترین
۳	بعد اجتماعی	متوسط
۴	بعد زیست‌محیطی	متوسط
۵	بعد فرهنگی	کمترین

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل جدول انطباق سیاست‌های کلی نظام با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار، سیاست‌هایی که به تعداد بیشتری از ابعاد توجه داشته‌اند، عمدتاً اسناد فرابخشی و کلان هستند. در رتبه اول، سه سیاست چشم‌انداز ۱۴۰۴، آمایش سرزمین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار دارند که به عنوان اسناد بالادستی و راهبردی، هر پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی و فرهنگی را به طور کامل پوشش داده‌اند. این سیاست‌ها به دلیل ماهیت جامع‌نگر خود، توانسته‌اند تعادلی نسبی میان ابعاد مختلف توسعه پایدار برقرار کنند. در رتبه دوم، سیاست‌های بخش حمل و نقل و اقتصاد مقاومتی با پوشش چهار بعد، جایگاه بعدی را به خود اختصاص داده‌اند؛ حمل و نقل به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی توجه کرده و اقتصاد مقاومتی نیز با وجود تمرکز بر بعد اقتصادی، به ابعاد اجتماعی، نهادی و فرهنگی نیز پرداخته و تنها به بعد زیست‌محیطی به صورت غیر مستقیم اشاره داشته است. در رتبه سوم، سیاست‌های بخش معدن، کشاورزی، پیشگیری از سوانح طبیعی و شهرسازی با پوشش سه بعد، در جایگاه بعدی قرار دارند. معدن و کشاورزی هر سه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توجه کرده‌اند، در حالی که شهرسازی و پیشگیری از سوانح طبیعی به ترتیب بر ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی متمرکز بوده‌اند. در مقابل، بسیاری از سیاست‌های تخصصی مانند انرژی، صنعت، اصل ۴۴، محیط زیست و تشویق سرمایه‌گذاری تنها به یک یا دو بعد توجه داشته‌اند که نشان از رویکرد جزیره‌ای و عدم هماهنگی این سیاست‌ها با سایر ابعاد توسعه دارد. این الگو نشان می‌دهد که هرچه یک سیاست از سطح کلان و فرابخشی به سطح تخصصی و بخشی نزدیکتر می‌شود، از جامعیت نگاه به ابعاد توسعه پایدار

کاسته می‌گردد و این امر ضرورت بازنگری در سیاست‌های بخشی برای هماهنگی بیشتر با ابعاد مغفول مانده را آشکار می‌کند.

جدول ۷. سیاست‌های کلی با پوشش ۵ بعد توسعه پایدار (پوشش کامل)

رتبه	بعد توسعه پایدار	ابعاد پوشش داده شده
۱	چشم‌انداز ۱۴۰۴	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی
۲	آمایش سرزمین	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی
۳	الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۸. سیاست‌های کلی با پوشش چهار بعد توسعه پایدار

رتبه	بعد توسعه پایدار	ابعاد پوشش داده شده
۱	بخش حمل و نقل	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی
۲	اقتصاد مقاومتی	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی، فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۹. سیاست‌های کلی با پوشش ۳ بعد توسعه پایدار

رتبه	بعد توسعه پایدار	ابعاد پوشش داده شده
۱	بخش معدن	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی
۲	کشاورزی	اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی
۳	پیشگیری از سوانح طبیعی	اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی
۴	شهرسازی	اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جداول فوق سیاست‌های چشم‌انداز ۱۴۰۴، آمایش سرزمین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان اسناد فرابخشی و کلان، جامع‌ترین نگاه را به ابعاد توسعه پایدار داشته و تمامی پنج بعد را پوشش داده‌اند. در مقابل، سیاست‌های تخصصی‌تر مانند انرژی، صنعت، اصل ۴۴، تشویق سرمایه‌گذاری و محیط زیست (که تنها به یک بعد توجه دارند) در انزو قرار گرفته و نیاز به هماهنگی بیشتری با سایر ابعاد توسعه دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با واکاوی سیاست‌های کلی نظام و انطباق آنها با ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار، نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی نظام عمدتاً بر ابعاد اقتصادی و نهادی متمرکز هستند و به ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و به ویژه فرهنگی کمتر توجه داشته‌اند. در این میان، چشم‌انداز ۱۴۰۴، آمایش سرزمین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان جامع‌ترین اسناد، بالاترین اولویت عملیاتی را برای تحقق توسعه پایدار متوازن دارا هستند. در مقابل، سیاست‌هایی مانند انرژی، صنعت، اصل ۴۴، محیط زیست و تشویق سرمایه‌گذاری با رویکرد تک‌بعدی، فاقد اولویت عملیاتی در وضعیت فعلی بوده و نیازمند بازنگری اساسی هستند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که سیاست‌های کلی نظام به‌طور نابرابر به ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار توجه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که ابعاد اقتصادی و نهادی بیشترین و بعد فرهنگی کمترین پوشش را دارند. این یافته با نتایج عصمتی و عدالت‌جو (۱۴۰۰) هم‌راستا است که نشان دادند تأکید اسناد بالادستی بر پایداری، در سطح سیاست‌های بخشی به‌طور کامل عملیاتی نشده است. همچنین، صفی‌خوانی و حلی‌ساز (۲۰۲۳) نیز در تحلیل محتوای مقررات زیست‌محیطی ایران به عدم انسجام کافی بعد زیست‌محیطی با سایر ابعاد اشاره کرده‌اند که با یافته جدول ۶ (رتبه چهارم بعد زیست‌محیطی) سازگار است. یافته دیگر پژوهش، وجود هشت مصداق تعارض بین‌سیاستی (جدول ۵) بود که عمدتاً از نوع هدفی و در بعد زیست‌محیطی است. این یافته با چارچوب OECD (2018) درباره انسجام سیاستی هم‌راستا است که تأکید می‌کند تعارضات سیاستی، حتی در سطح اهداف، می‌تواند تحقق پایداری را مختل کند. همچنین، نوربخش و حبیب‌پور فاتحه (۲۰۲۶) با نشان دادن نقش تضعیف نهادها در اقتصاد رانتی ایران، ضرورت تقویت بعد نهادی را تأیید کرده‌اند که با رتبه دوم بعد نهادی در جدول ۵ هم‌خوانی دارد. در مقابل، یافته‌ای که نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود، ارائه چارچوب انسجام سیاستی برای سنجش انطباق تمام ۴۱ سیاست کلی با ابعاد پنج‌گانه است؛ کاری که در پیشینه به‌صورت جامع انجام نشده بود. مطالعات پیشین یا بر یک بعد خاص متمرکز بودند (صفی‌خوانی و حلی‌ساز، ۲۰۲۳) یا صرفاً یک سند محدود را تحلیل کرده بودند

(عصمتی و عدالت‌جو، ۱۴۰۰)، اما پژوهش حاضر با تعریف عملیاتی شفاف و تحلیل تعارضات، تصویری جامع‌تر ارائه می‌دهد.

علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزودن ابعاد «نهادی» و «فرهنگی» به ابعاد کلاسیک توسعه پایدار، صرفاً یک انتخاب نظری نیست، بلکه در تحلیل سیاست‌های واقعی ایران نیز ضرورت دارد؛ زیرا بعد نهادی رتبه دوم و بعد فرهنگی رتبه پنجم را به خود اختصاص دادند و این نشان داد غفلت از فرهنگ، یک شکاف واقعی در سیاست‌گذاری است. این یافته، به‌عنوان رکن چهارم (Dessein et al., 2015) را در بستر ایران تأیید می‌کند.

دلالت عملی یافته‌ها از منظر سیاست‌گذاری نشان داد که صرف وجود سیاست‌های جامع (مانند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و آمایش سرزمین) کافی نیست، بلکه هم‌راستایی سیاست‌های بخشی با این اسناد و رفع تعارضات، شرط لازم تحقق پایداری است. این یافته، دلالت عملی برای نهادهای سیاست‌گذار (مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس و دولت) دارد.

این پژوهش سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اسناد بالادستی و راهبردی کشور در نظر گرفت و نتایج نشان داد این سیاست‌ها، به طور نابرابری به ابعاد پنج‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، نهادی و فرهنگی) توجه داشته‌اند. این مطالعه با واکاوی سیاست‌های کلی، تلاش می‌کند تا اولویت‌های عملیاتی لازم برای تحقق ابعاد توسعه پایدار را مشخص کند. در این راستا، سیاست‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: سیاست‌های دارای اولویت عملیاتی برای تحقق توسعه پایدار

این سیاست‌ها به دلیل پوشش جامع ابعاد توسعه (۴ یا ۵ بعد)، به عنوان اولویت‌های اصلی برای اجرا و هماهنگی با سایر سیاست‌ها محسوب می‌شوند:

- چشم‌انداز ۱۴۰۴: به عنوان سند بالادستی و فرابخشی، با پوشش کامل هر پنج بعد، اولویت اول را در هدایت سایر سیاست‌ها دارد.
- آمایش سرزمین: با پوشش کامل پنج بعد و توجه ویژه به تعادل منطقه‌ای و زیست‌محیطی، اولویت دوم را به خود اختصاص می‌دهد.

- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: به عنوان نقشه راه تحقق تمدن نوین اسلامی، با پوشش کامل پنج بعد، اولویت سوم را دارد.
- بخش حمل و نقل: با پوشش چهار بعد (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی)، به عنوان یکی از زیرساخت‌های کلیدی توسعه، اولویت عملیاتی بالایی دارد.
- اقتصاد مقاومتی: با وجود تمرکز بر بعد اقتصادی، پوشش مناسبی از ابعاد اجتماعی، نهادی و فرهنگی دارد و می‌تواند به عنوان الگویی برای بازنگری سایر سیاست‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

دسته دوم: سیاست‌های با اولویت عملیاتی متوسط

- این سیاست‌ها با پوشش ۳ بعد، نیازمند تقویت در ابعاد مغفول مانده هستند:
- بخش معدن: با پوشش ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، نیازمند توجه به ابعاد نهادی (شفافیت، نظارت) و فرهنگی (ارتقاء مهارت، فرهنگ کار) است.
 - کشاورزی: با پوشش سه بعد مذکور، نیازمند تقویت بعد نهادی (سیاست‌های حمایتی، نظام توزیع) و فرهنگی (آموزش، ترویج) است.
 - شهرسازی: با پوشش ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، نیازمند تقویت بعد اقتصادی (اقتصاد شهری، سرمایه‌گذاری) و فرهنگی (هویت شهری، مشارکت شهروندی) است.
 - پیشگیری از سوانح طبیعی: با پوشش ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، نیازمند تقویت بعد اقتصادی (تأمین منابع مالی، بیمه) و فرهنگی (آموزش، فرهنگ ایمنی) است.
 - تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی: با پوشش ابعاد اقتصادی و اجتماعی، نیازمند تقویت بعد نهادی (قوانین حمایتی، نظارت)، زیست‌محیطی (تولید سبز) و فرهنگی (فرهنگ کار و تولید) است.

دسته سوم: سیاست‌های فاقد اولویت عملیاتی برای توسعه پایدار متوازن

- این سیاست‌ها با پوشش تنها یک یا دو بعد، در وضعیت فعلی فاقد اولویت عملیاتی برای تحقق توسعه پایدار متوازن هستند و نیازمند بازنگری اساسی می‌باشند:

- انرژی: با پوشش تنها بعد اقتصادی (و اشاره غیرمستقیم به زیست‌محیطی)، نیازمند افزودن ابعاد اجتماعی (عدالت در توزیع، تأمین انرژی خانوارها)، نهادی (شفافیت، مدیریت یکپارچه) و فرهنگی (اصلاح الگوی مصرف) است.

- صنعت: با پوشش ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی، نیازمند افزودن بعد اجتماعی (اشتغال، رفاه کارگران)، نهادی (نظام نظارت، قوانین) و فرهنگی (فرهنگ کار و نوآوری) است.

- اصل ۴۴ قانون اساسی: با پوشش تنها بعد اقتصادی، نیازمند افزودن ابعاد اجتماعی (عدالت، اشتغال)، زیست‌محیطی (تولید سبز)، نهادی (شفافیت، نظارت) و فرهنگی (فرهنگ کارآفرینی) است.

- محیط زیست: با پوشش تنها بعد زیست‌محیطی، نیازمند افزودن ابعاد اقتصادی (اقتصاد سبز، سرمایه‌گذاری)، اجتماعی (مشارکت عمومی، سلامت)، نهادی (قوانین، نظارت) و فرهنگی (آموزش، فرهنگ محیط‌زیستی) است.

- تشویق سرمایه‌گذاری: با پوشش تنها بعد اقتصادی، نیازمند افزودن ابعاد اجتماعی (اشتغال، عدالت)، زیست‌محیطی (سرمایه‌گذاری سبز)، نهادی (شفافیت، امنیت سرمایه‌گذاری) و فرهنگی (فرهنگ کارآفرینی) است.

- علم و فناوری: با پوشش ابعاد اقتصادی و فرهنگی، نیازمند افزودن بعد اجتماعی (عدالت در دسترسی، آموزش)، زیست‌محیطی (فناوری سبز) و نهادی (نظام نوآوری، قوانین حمایتی) است.

- منابع طبیعی و آب: با پوشش تنها بعد زیست‌محیطی، نیازمند افزودن ابعاد اقتصادی (مدیریت منابع، بهره‌وری)، اجتماعی (عدالت در توزیع آب)، نهادی (قوانین، نظارت) و فرهنگی (فرهنگ صرفه‌جویی) است.

بر این اساس، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. بازطراحی سیاست‌های تک‌بعدی بر اساس الگوی سیاست‌های فرابخشی: سیاست‌هایی مانند انرژی، صنعت، اصل ۴۴ و محیط زیست باید با الگوگیری از اسناد جامعی مانند چشم‌انداز و آمایش سرزمین، بازنگری شده و ابعاد مغفول مانده به آن‌ها افزوده شود.

۲. هماهنگی سیاست‌های بخشی با اسناد فرابخشی: برای جلوگیری از رویکرد جزیره‌ای، باید سازوکارهایی برای هماهنگی سیاست‌های تخصصی با اسناد کلان طراحی و اجرا شود.

۳. تدوین شاخص‌های پایش برای هر یک از ابعاد پنج‌گانه: ایجاد نظام پایش و ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های کمی برای هر بعد، می‌تواند به بهبود تعادل و جامعیت سیاست‌گذاری کمک کند.

۴. تقویت بعد فرهنگی در تمامی سیاست‌ها: با توجه به کمترین میزان توجه به این بعد، باید مؤلفه‌های فرهنگی (هویت، ارزش‌ها، سبک زندگی، گفتمان‌سازی) به عنوان یک رکن اساسی در تمامی سیاست‌ها گنجانده شوند.

۵. ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده برای توسعه پایدار: تشکیل نهادی فرابخشی با مسئولیت هماهنگی سیاست‌های بخشی و نظارت بر انطباق آن‌ها با ابعاد توسعه پایدار، می‌تواند به تحقق رویکرد متوازن کمک کند.

در نهایت، تحقق توسعه پایدار در اقتصاد آینده ایران، نیازمند گذار از رویکردهای تک‌بعدی و بخشی به رویکردی سیستمی، جامع‌نگر و متوازن است که در آن همه ابعاد توسعه به طور هم‌افزا و هماهنگ مورد توجه قرار گیرند. سیاست‌های کلی نظام با داشتن پتانسیل بالایی راهبردی، می‌توانند نقشه راه این گذار را ترسیم کنند، مشروط بر اینکه اجرای دقیق و هماهنگ آن‌ها با مشارکت همه نهادهای مسئول، به طور جدی پیگیری شود.

علاوه بر نابرابری پوشش ابعاد، تحلیل تعارضات بین‌سیاستی نشان داد هشت مصداق تعارض، به طور عمده، از نوع هدفی و در بعد زیست‌محیطی، میان سیاست‌های بخشی وجود دارد. این تعارضات نشان می‌دهد که صرف توجه به ابعاد توسعه پایدار کافی نیست، بلکه هم‌راستایی اهداف و ابزارهای سیاست‌ها نیز شرط لازم برای تحقق پایداری است. بنابراین، بازنگری سیاست‌های تک‌بعدی باید نه تنها با افزودن ابعاد مغفول، بلکه با رفع تعارضات با سیاست‌های دیگر همراه باشد.

منابع

- اعظمی، سمیه و نوکانی، علیرضا (۱۴۰۴). بررسی تأثیر نامتقارن شاخص‌های نهاد محور توسعه مالی بر کیفیت محیط زیست ایران: تأکیدی بر نقش انرژی‌های تجدیدپذیر. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۲۵ (۹۷)، ۱۳۴-۸۷. <https://doi.org/10.30473/egdr.2025.73211.6935>
- امیدعلی، مصطفی، فطرس، محمدحسن و قلی‌زاده، علی‌اکبر (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین ریسک‌ها و چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران طی دوره (۱۳۹۸-۱۳۸۰) با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری. *نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۳ (۵۰)، ۲۹-۴۶. <https://doi.org/10.30473/egdr.2022.62312.6422>
- بهمنی، نسترن، حسین‌پور، فاطمه، معتمدی، سحر و تبعه ایزدی، امین (۱۴۰۴). مقایسه رابطه دوسویه انرژی‌های تجدیدپذیر، آلاینده‌های محیط زیست و توسعه اجتماعی در کشورهای عضو OPEC و کشورهای OECD. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۶ (۶۱)، ۱۳-۳۳. <https://doi.org/10.30473/egdr.2026.76291.7061>
- حسنی‌مقدم، رفیع (۱۴۰۵). تخمین اثرات سرمایه فکری بر رشد اقتصادی سبز در کشورهای بریکس‌پلاس: نقش تعدیل‌کننده کیفیت نهادی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۶ (۶۴)، ۱۱۰-۱۲۱. <https://doi.org/10.30473/egdr.2026.79168.7155>
- رجبیان، اعظم، صباحی، محمد، لطفعلی‌پور، محمدرضا و بهنام، مهدی (۱۳۹۷). راهبردهای افزایش مقاومت‌پذیری اقتصاد ایران با نگاهی به آینده اقتصاد مقاومتی. *راهبرد*، ۲۷ (۸۹)، ۵-۳۴. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1397.27.4.1.1>
- رمضانی، مریم، موسوی جهرمی، یگانه، معلمی، مژگان و شریف مقدسی، علیرضا (۱۴۰۱). تأثیر ابعاد توسعه پایدار بر آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد ایران با رویکرد نظریه گراف. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۲ (۴۷)، ۱۵-۳۶. <https://doi.org/10.30473/egdr.2021.57046.6112>
- صادق‌بیگی، اکرم، مروج، کامران و دلاور، محمدمیر (۱۳۹۹). جایگزینی مؤلفه‌های توافق و عدم توافق کمی و مکانی به جای شاخص کاپا برای ارزیابی دقت نقشه‌های موضوعی مختلف. *اطلاعات جغرافیایی*، ۲۹ (۱۱۶)، ۸۷-۷۷. <https://doi.org/10.22131/sepehr.2021.242861>
- صفی‌خوانی، ساجده و حلی‌ساز، ارشک (۱۴۰۱). تحلیل محتوای اصول و محورهای مقررات و قانون‌گذاری زیست‌محیطی ایران. *محیط‌زیست و توسعه بین‌رشته‌ای*، ۷ (۷۸)، ۲۳-۱.

عصمتی، زهرا و عدالتجو، تهمینه (۱۴۰۰). تحلیل نقش اسناد بالادستی و قوانین برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در حفظ محیط‌زیست. فصلنامه علوم محیطی، ۱۹(۴)، ۲۳۹-۲۵۵.

<https://doi.org/10.22034/jest.2021.26155.3526>

فدایی خوراسگانی، مهدی و نیری، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران (الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیع شده ARDL). پژوهش‌های رشد و

توسعه اقتصادی، ۱(۱)، ۱۳۳-۱۵۹

کعبی، عباس و فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۵). سیاست‌های کلی نظام، راهکار ارتقای نظام قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران. دانش حقوق عمومی، ۵(۱۵)، ۹۹-۱۲۲.

محمدی نوده، عادل، حسونند، داریوش و عاصی‌پور، حمید (۱۳۹۹). بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی ایران. پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰(۲)، ۱۲۱-۱۴۴.

<https://doi.org/20.1001.1.17356768.1399.20.2.3.6>

محمدی‌پور، علی (۱۴۰۱). بررسی ابعاد توسعه اقتصادی در ایران با استفاده از طراحی شاخص‌های ترکیبی CIs. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲(۴۸)، ۱۱۱-۱۳۰.

<https://doi.org/10.30473/egdr.2021.60455.6280>

مقتدائی، فاطمه و صالح‌نیا، نرگس (۱۴۰۵). بررسی اثر متغیرهای زیست محیطی، اقلیمی و اقتصادی بر امنیت غذایی در بستر نوآوری: نمونه‌ای از شواهد جهانی. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۶(۶۳)،

<https://doi.org/10.30473/egdr.2026.77330.7107> ۲۳-۳۵

نعیمی، مینا و اعظمی، سمیه (۱۴۰۵). نقش میانجی نوآوری فناورانه در رابطه تحول دیجیتال و توسعه پایدار بخش صنعت ایران: رویکرد PLS-SEM. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۶(۶۴)،

<https://doi.org/10.30473/egdr.2026.76932.7090>

References

- Amezani, M., Mousavi Jahromi, Y., Moallemi, M. & Sharif Moghaddasi, A. (2022). The impact of sustainable development dimensions on the vulnerability and resilience of Iran's economy using graph theory approach. *Economic Growth and Development Research*, 12(47), 15-36. <https://doi.org/10.30473/egdr.2021.57046.6112>. (in Persian)
- Asmati, Z., & Edalatjoo, T. (2021). Analysis of the role of upstream documents and development plan laws of the Islamic Republic of Iran in environmental protection. *Environmental Sciences Quarterly*, 19(4), 239-255. <https://doi.org/10.22034/jest.2021.26155.3526>. (in Persian)
- Azami, S. & Nokani, A. (2025). Investigating the asymmetric effect of institution-based financial development indicators on Iran's environmental quality: Emphasizing the role of renewable energies. *Economic Growth and Development Research*, 25(97), 87-134. <https://doi.org/10.30473/egdr.2025.73211.6935>. (in Persian)

- Bahmaei, N., Hosseinpour, F., Sahar, M. & Tabae Izady, A. (2025). Comparative analysis of the bidirectional relationship between renewable energy, environmental pollution, and social development in OPEC and OECD Countries. *Economic Growth and Development Research*, 16(61), 13-33. doi: 10.30473/egdr.2026.76291.7061. (in Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Dessein, J., Soini, K., Fairclough, G. & Horlings, L. (Eds.). (2015). *Culture in, for and as sustainable development: Conclusions from the COST Action IS1007 investigating cultural sustainability*. University of Jyväskylä. <http://www.culturalsustainability.eu/conclusions.pdf>.
- Fadaee Khorasgani, Fadaei Khorasgani, M. & Nayeri, S. (2010). Effects of selected cultural indicators on economic growth of Iran (ARDL Approach). *Economic Growth and Development Research*, 1(1), 159-133. (in Persian)
- Hassani Moghaddam, R. (2026). Estimating the Effects of Intellectual Capital on Green Economic Growth in BRICS-Plus Countries: The Moderating Role of Institutional Quality. *Economic Growth and Development Research*, 16(64), 110-121. <https://doi.org/10.30473/egdr.2026.79168.7155>. (in Persian)
- Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Journal of Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288. <https://doi.org/10.1177/1049732305276687>.
- Ka'bi, A., & Fattahi Zafarghandi, A. (2016). General policies of the system: A strategy for improving the legislative system in the Islamic Republic of Iran. *Public Law Knowledge*, 5(15), 99-122. (in Persian)
- Moghtadaei, F., & Salehnia, N. (2026). Investigating the effect of environmental, climatic, and economic variables on food security in the context of innovation: A sample of global evidence. *Economic Growth and Development Research*, 16(63), 23-35. <https://doi.org/10.30473/egdr.2026.77330.7107>. (in Persian)
- Mohammadinode, A., Hasanvand, D. & Asayesh, H. (2020). Investigating the role of foreign direct investment on economic growth in economic sectors of Iran. *Economic Research and Perspectives*, 20(2), 121-144. <https://doi.org/10.1001.1.17356768.1399.20.2.3.6>. (in Persian)
- Mohammadipour, A. (2022). Investigating the dimensions of economic development in Iran based on designing Composite Indicators (CIs). *Economic Growth and Development Research*, 12(48), 111-130. <https://doi.org/10.30473/egdr.2021.60455.6280>. (in Persian)
- Naeimi, M. & Azami, S. (2026). The mediating role of technological innovation in the relationship between digital transformation and sustainable development of the Iranian industrial sector: A PLS-SEM Approach. *Economic Growth and Development Research*, 16(64). doi: 10.30473/egdr.2026.76932.7090. (in Persian)
- Nilsson, M., Griggs, D. & Visbeck, M. (2016). Map the interactions between sustainable development goals. *Nature*, 534(7607), 320-322.
- Nourbakhsh, S. N. & Habibpour Fatideh, M. (2025). Resource curse under sanctions: The mediating role of the shadow economy in corruption, institutional erosion, and sustainable governance in Iran. *Innovations in Environmental Economics*, 1(3), 222-235.
- OECD (2018). Policy Coherence for Sustainable Development 2018: Towards Sustainable and Inclusive Societies.

- Rajabian, A., Sabahi, M., Lotfalipour, M. R., & Behnameh, M. (2019). Strategies for increasing Iran's economic resistance. *Journal of Strategy*, 27(4), 5–34. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1397.27.4.1.1>. (in Persian)
- Sadeghbeygi, A., Moravej, K. & Delavar, M. A. (2021). Replacing kappa index with quantitative and spatial agreement and disagreement components for the accuracy assessment of different thematic maps. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*, 29(116), 77–87. <https://doi.org/10.22131/sepehr.2021.242861>. (in Persian)
- Safikhani, S. & Holisaz, A. (2022). Content analysis of the principles and axes of the environmental regulation and legislation in Iran. *Journal of Environment and Interdisciplinary Development*, 7(78), 1–23. <https://doi.org/10.22034/envj.2022.165163>. (in Persian)
- Safikhani, S. & Holisaz, A. (2023). Content Analysis of the Principles and Axes of the Environmental Regulation and Legislation in Iran. *Environment and Interdisciplinary Development*, 7(78), 1-23.
- Sarkheil, H., Rezazadeh Belgori, M., Shirdam, R. & Azimi, Y. (2023). material flow cost accounting modeling and life cycle analysis of zinc smelting industry concentrate unit in iran to reduce environmental pollution. *Environment and Interdisciplinary Development*, 7(78), 71-85. <https://jpia.princeton.edu/news/reforming-iran%E2%80%99s-energy-policy-strategies-sustainability-subsidies-and-global-integration>.
- UNEP (2020). Methodology for SDG Indicator 17.14.1: Mechanisms in place to enhance policy coherence for sustainable development.